**بسم الله الرحمن الرحیم [[1]](#footnote-1)**

عرض شد که در مباحث تقلید چند مقام بحث داریم. مقام اول در مفهوم تقلید بود که عرض کردیم شش نکته را باید اینجا اشاره کنیم.

**نکتۀ اول: مفهوم تقلید در لغت**

**نکتۀ دوم: مفهوم تقلید در اصطلاح**

**نکتۀ سوم: مناسبت بین معنای لغوی و معنای اصطلاحی**

**نکتۀ چهارم: آیا تقلید احتیاج به قبول دارد یا ندارد؟**

این چهار نکته اشاره شد.

**نکتۀ پنجم: مورد تقلید**

آیا تقلید در احکام فرعی عملی است یا در اصول عقائد هم تقلید راه دارد یا در هر دو است فی الجمله؟

اما احکام فرعی عملی گاهی عامی به بعضی از احکام فرعی علم دارد مثل ضروریات دین و مذهب، اصل وجوب صوم، صلاۀ، حج و امثال اینها، مواردی در فرعیات که عامی علم دارد از دائرۀ تقلید خارج است و آنچه را که علم ندارد از احکام فرعی مورد تقلید است.

**وجه خروج موارد علم از دائرۀ تقلید**

محقق حکیم در مستمسک العروه ج 1 ص 10 عبارتشان این است «لوضوح أن وجوب العمل شرعاً برأي الغير حكم ظاهري كوجوب العمل بسائر الحجج، و من المعلوم أن الحكم الظاهري يختص جعله بحال الشك، فيمتنع جعل حجية رأي الغير مع العلم بالواقع، كما في الضروريات و اليقينيات.» خلاصۀ کلامشان این است که می‌فرمایند چرا آنجا که عامی علم دارد جای تقلید نیست؟ می‌فرمایند روشن است که وجوب عمل به رأی غیر، یک حکم ظاهری است مثل وجوب عمل به سائر حجج و آنگاه که علم باشد نوبت به حکم ظاهری نمی‌رسد.

عرض ما این است که این بیان وافی به مقصود نیست مگر کسی توجیه کند ظاهرش قبول نیست. وجه آن این است که وجوب عمل بر طبق حجج غیر از مؤدای حجج است، اینجا بین این دو خلط شده است. مؤدا و مضمون امارات می‌گویند حکم ظاهری است، محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که نماز جمعه واجب است، ممکن است اشتباه کرده باشد این وجوب نماز جمعه یک حکم ظاهری می‌شود در حق ما، ولی وجوب عمل بر طبق حجج حکم ظاهری نیست و ادلۀ قاطع بر آن داریم و باید منتهی به قطع بشود و الا حجیت حجت دچار اشکال است. پس این تعبیر که وجوب عمل به رأی غیر حکم ظاهری است مثل حکم عمل به سایر حجج، این غلط است. وجوب عمل بر طبق حجج یک حکم واقعی است نه حکم ظاهری بله مؤدای حجج حکم ظاهری است.

لذا بیان بهتر این است که بگوییم موارد علم عامی از تحت موارد تقلید خارج است تخصصا، به خاطر اینکه همانگونه که در مباحث اجتهاد ذکر کردیم و در مباحث تقلید توضیح بیشتر خواهد آمد، تقلید رجوع جاهل به عالم است، موضوع تقلید این است جاهل به عالم مراجعه کند، آنجا که عامی در مورد خاصی عالم است نه به تعبد، قطع دارد به حکم شرعی، جاهل نیست تا بتواند به عالم مراجعه کند.

بنابراین در احکام فرعی عملی اگر عامی علم دارد مثل ضروریات، نیاز به تقلید ندارد آنجا که عالم به احکام فرعی نیست و جاهل است ادلۀ تقلید می‌گوید جاهل باید به عالم رجوع کند.

**تقلید در اصول عقائد چگونه است؟**

اما در مسائل اعتقادی هر چند تفصیل بحث در کلام علم است ولی مختصر اشاره می‌کنیم که مسائل اعتقادی بر دو قسم است:

**قسم اول:** در برخی از این مسائل به عقل و ادلۀ قاطع معرفت و شناخت لازم است، مثل اصل توحید، نبوت، امامت، معاد و امثال اینها. اینگونه امور اعتقادی که شناخت و معرفت در آنها لازم است، تقلید در این امور صحیح نیست چون تقلید شناخت نیست و تعبد است.

**قسم دوم:** بله بعضی از امور اعتقادی داریم که صرف التزام قلبی هر چند فی الجمله کافی است، دلیل قاطعی بر شناخت تفصیلی و لزوم آن نداریم، مثل عالم برزخ و کیفیت آن، کیفیت عذاب قبر، کیفیت علم امام علیه السلام به موضوعات، در اینگونه امور که صرفا عقد القلب لازم است فی الجمله، تقلید سبب عقد القلب می‌شود و همین مقدار التزام به عقد القلب کافی خواهد بود.

**نکتۀ ششم: رابطۀ مباحث تقلید با علم اصول چیست؟**

آیا بحث تقلید جزء مسائل علم اصول است یا استطردا اینجا بحث می‌شود؟ ما در ضمن مباحث اجتهاد بررسی کردیم که برخی از اصولیین گویا مباحث اجتهاد و تقلید را از مسائل علم اصول می‌دانند، مثل صاحب معالم که می‌فرمایند: «المطلب التاسع فی الاجتهاد و تقلید»[[2]](#footnote-2) و صاحب قوانین که می‌فرمایند: «الباب السّابع في الاجتهاد و التّقليد»[[3]](#footnote-3)ولی ما در مباحث اجتهاد توضیح دادیم قسمی از مباحث اجتهاد به عنوان خاتمۀ علم اصول مطرح می‌شود و قسمی از مباحث اجتهاد از مسائل فقهی است ولی مباحث تقلید غیر از موضوع شناسی آن که از مبادی این مسائل است مباحث عنوان تقلید عمدتا جزء مسائل علم فقه است چنانچه در مقام دوم روشن خواهد شد ولی به خاطر شدت ارتباطش به مسائل اجتهاد در کنار مباحث اجتهاد مطرح شده است در پایان مباحث اصول ولی جزء علم اصول نیست. این تمام کلام در مقام اول از مباحث تقلید.

**مقام دوم: احکام تقلید**

ما به پیروی از محقق خراسانی چهار حکم از احکام تقلید را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

**حکم اول:** آیا تقلید عامی از مجتهد و تعبد به نظر او جایز است یا نه؟ و مراد از جواز، جواز بمعنی الاعم است که شامل وجوب هم می‌شود. لذا باید بحث کنیم آیا تقلید جایز است شرعا یا حرام است شرعا که بعضی از اخباریان می‌گویند یا قبیح است عقلا که برخی از روشنفکران می‌گویند؟

بحث در رابطه با این حکم دو مرحله دارد:

**مرحلۀ اول:** دلیل بر جواز تقلید در نزد عامی چیست؟ آیا خود جواز تقلید یک امر تقلیدی است یا امر اجتهادی است یا نه امر اجتهادی است و نه امر تقلیدی است؟ بررسی آن خواهد آمد.

1. - جلسه 53 – ‌چهارشنبه – 19/08/1400 [↑](#footnote-ref-1)
2. - معالم الأصول ( با حواشى سلطان العلماء )، ص: 325:«(9) المطلب التاسع في الاجتهاد و التقليد». [↑](#footnote-ref-2)
3. - القوانين المحكمة في الأصول ( طبع جديد )، ج‏4، ص: 233:«الباب السّابع في الاجتهاد و التّقليد». [↑](#footnote-ref-3)